

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال سوم، شماره نهم، زمستان ۱۳۹۰

(صص ۲۸-۷)

آرش بیدالله خانی *

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی

دانشگاه تهران

دکتر حمید احمدی **

استاد گروه حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران

مرتضی باقیان زارچی ***

دانشجوی دکترای علوم سیاسی

دانشگاه تهران

بازتاب سیل ۲۰۱۰ پاکستان بر افراط‌گرایی

چکیده

پاکستان به عنوان یکی از مهمترین کشورهای اسلامی، در سه دهه اخیر کانون فعالیت بسیاری از جریان‌های افراط‌گرا در منطقه جنوب آسیا تلقی شده است. تحولات مهم داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله اجرای برنامه اسلامی‌سازی ژنرال ضیاءالحق، انقلاب اسلامی ایران، جهاد اسلامی علیه شوروی و اشغال افغانستان و حمله امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱، تأثیرات عمیقی بر رشد افراط‌گرایی در پاکستان داشته است. در سال ۲۰۱۰ سیلی سهمگین، پاکستان را درنوردید که حدود بیست درصد از کل مساحت این کشور را زیر آب برده و این کشور نابسامان از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را با چالش‌ها و معضلات جدید و بغرنج‌تری روبرو ساخت. این مقاله در پی آن است تا بازتاب‌ها و

*Email: Arash_khani@ut.ac.ir

**Email: Hahmadi@ut.ac.ir

***Email: Mortezaabaghian@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۱۵

تأثیرات بحران سیل ویرانگر ۲۰۱۰ پاکستان را بر افراط‌گرایی در این کشور مورد بررسی قرار دهد. در این ارتباط ابتدا به بررسی مفهوم افراط‌گرایی پرداخته و ویژگی‌های این پدیده را مورد بحث قرار خواهیم داد. سپس به طبقه‌بندی مهمترین گروه‌های افراطی پاکستان پرداخته و در نهایت نیز با بررسی پیامدهای اقتصادی و سیاسی سیل پاکستان به این نکته خواهیم پرداخت که این بحران، علاوه بر اینکه عزم و همگرایی گروه‌های اسلامی این کشور را برای کمک به مردم مناطق سیل‌زده بیشتر کرده‌است؛ به دلیل موج نارضایتی عمومی و نابسامانی که آن را به دولت نسبت می‌دادند، باعث رشد افراطی‌گرایی در بخش‌های مختلف جامعه پاکستان نیز شده است.

کلید واژه ها: پاکستان، گروه‌های اسلامی، افراط‌گرایی، سیل.

مقدمه

پاکستان کشوری است در جنوب آسیا که در سال ۱۹۴۷ میلادی به رهبری «محمد علی جناح» از هند جدا و به استقلال رسید. استقلال پاکستان پس از یک دوره مبارزات و مذاکرات سخت و طولانی با حریف قدرتمند آن یعنی هندوها و انگلیسی‌ها به دست آمده است. سازماندهی نهضت استقلال‌خواهانه مسلمانان هند را حزب مسلم لیگ، که قوی‌ترین تشکل سیاسی مسلمانان شبه قاره در نیمه اول قرن بیستم به شمار می‌آمد، بر عهده داشت (نجف آبادی، ۱۳۶۲: ۲۴) کشور پاکستان به نام دین اسلام و به عنوان کشوری برای مسلمانان شبه قاره هند تاسیس گردید و حتی نام آن را به این لحاظ، «پاک» نهاده‌اند. حکومت این کشور نیز، بنا بر تعهدی که برای تاسیس چنین کشوری لازم بوده از همان ابتدا نام و نشان اسلامی داشته است. اسلام دین رسمی این کشور است و ۹۷ درصد جمعیت پاکستان پیرو این دین هستند. (وزارت خارجه، ۱۳۸۸: ۳۴) اکثریت مسلمانان پاکستان سنی و پیرو مکتب فقهی حنفی هستند که خود به دو فرقه فرعی «دیوبندی» و «بریلوی» تقسیم می‌شود و باز در این میان، بیشتر آن‌ها پیرو سنت‌های بریلوی هستند که فرقه‌ای میانه‌رو است. فرقه فرعی «اهل حدیث» از دیگر فرقه‌های اسلام سنی پاکستان است که به لحاظ اعتقادی به وهابیت (از مکتب فقهی حنبلی) نزدیکتر است. اقلیت قابل توجهی که حدود ۲۰

تا ۲۵ درصد جمعیت پاکستان تخمین زده می‌شوند، شیعه هستند که در میان آن‌ها اکثریت از آن «اثنی‌عشری» و «اسماعیلی» است.

نقش اسلام در حکومت از زمان آغاز جمهوری اسلامی پاکستان همواره مورد مناقشه بوده است. اکثر گروه‌های اسلامی که در مبارزه با استعمار و در راه استقلال تلاش کرده بودند هدف‌شان را ایجاد و استقرار نظام اسلامی در کشور قرار دادند. اما بعد از تشکیل پاکستان جدید، نه تنها هدف ایجاد نظام اسلامی با ناکامی روبه‌رو گردید، بلکه در سطح گروه‌های اسلام‌گرا به یک آرمان تبدیل شد تا اینکه در دوران حکومت ژنرال ضیاءالحق (۱۹۷۷-۱۹۸۸) حکومت وی کوشید تا نفوذ احزاب اسلامی و علمای دینی را بر حکومت و جامعه تقویت کند. (اسکندری، ۱۳۸۵: ۴۸-۴۵) وی در کودتای ۱۹۷۷ اعلام کرد که پاکستان باید به کشوری اسلامی تبدیل شود. حکومت نظامی ضیاءالحق که برای ادامه حیات خود نیازمند کسب مشروعیت بود؛ تصمیم گرفت تا برای حصول به این هدف به اسلام متوسل شود. برنامه اسلامی‌سازی ضیاءالحق با تکبیر بر فقه حنفی باعث ایجاد احساس تهدید و بسیج جامعه شیعی، از یکسو و تاسیس مدارس دینی و پرورش ستیزه‌گران سنی، از سوی دیگر، شد و این امر سرآغاز افراط‌گرایی در پاکستان بود. (شهنود، ۱۳۹۰: ۱۷)

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، شیعیان پاکستان را سیاسی و هویت مذهبی آنان را پررنگ کرد. ژنرال ضیاء، انقلاب اسلامی ایران را به حمایت از شیعیان پاکستان متهم نمود و احیاء تفکر سنی افراطی را گزینه‌ای مؤثر برای خنثی کردن آن می‌دانست. در عین حال پیروزی انقلاب اسلامی ایران با واکنش منفی برخی از کشورهای جهان عرب بویژه عربستان سعودی، عراق و کویت مواجه گردید. کشورهای عربی مزبور به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ انقلاب اسلامی ایران در پاکستان، ضمن حمایت از گروه‌های خاص تندرو در این کشور، به گسترش و حمایت از مدارس مذهبی پرداختند. (شفیعی و قلیچ خان، ۱۳۸۹: ۴) علاوه بر این موارد، اشغال افغانستان توسط شوروی و حمایت پاکستان از جهاد در این کشور منجر به تقویت جایگاه و نفوذ احزاب اسلام‌گرا و گروه‌های افراطی شد. پس از آن، ظهور طالبان و تسلط آنها بر افغانستان در سال ۱۹۹۶، این کشور را به مرکز حمایت از گروه‌های تندرو سنی تبدیل کرد و الگوی تندروانه‌ای از حکومت اسلامی ترویج کرد که

همگی به افزایش افراط‌گرایی در پاکستان کمک کرد. در پی حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و اشغال نظامی افغانستان توسط آمریکا، نیروهای طالبان افغان و القاعده به پاکستان گریخته و در مناطق قبایلی این کشور پناه گرفتند. این امر منجر به طالبانی شدن مناطق قبایلی و دیگر بخش‌های پاکستان شد. ناتوانی ارتش پاکستان در شکست گروه‌های افراطی این مناطق و گسترش احساسات ضد آمریکایی در این کشور باعث تحکیم موقعیت این گروه‌ها شد (خواجه سروی، ۱۳۹۰: ۳۰۰-۲۸۷)

در مورد پاکستان و افراط‌گرایی در این کشور کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است که در اینجا به تعدادی از آن‌ها به عنوان پیشینه تحقیق اشاره می‌شود. در این آثار به ابعاد گوناگون مسئله افراط‌گرایی و ریشه‌یابی این پدیده اشاره شده است. کتاب «باتلاق پاکستان: امنیت، استراتژی و آینده امت اسلامی هسته‌ای» نوشته اسامه بات و نیل الهی از جمله آثاری است که در مورد پاکستان در سال ۲۰۱۰ منتشر شده است. بات و الهی در این کتاب با تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات مختلف پاکستان و بررسی پیدایش این مشکلات، عرصه سیاست داخلی پاکستان را به باتلاق تشبیه می‌کنند که این از نام کتاب پیداست. آن‌ها همچنین به نقش ارتش در صحنه سیاست پاکستان و بودجه اقتصادی که نصیب ارتش می‌شود، اشاره می‌کنند. به نظر نویسندگان، ارتش پاکستان و نظامی‌گری در این کشور یکی از معضلات اصلی پاکستان است که باعث فقر داخلی و به تبع آن رشد رادیکالیسم شده است. بات و الهی در بخش دیگری از کتاب به گروه‌های افراطی در داخل و خارج از پاکستان از جمله القاعده و تحریک طالبان پاکستان می‌پردازند و با بررسی آن‌ها و نقش ارتش پاکستان در حمایت مالی و معنوی از این گروه‌ها، آینده پاکستان را به سرنوشت ارتش پیوند می‌زنند. (Butt and Elahi, 2010) اثر دیگری که به موضوع پاکستان و معضلات داخلی آن می‌پردازد؛ کتاب "جهت بی‌مقدمه پاکستان به سوی افراط‌گرایی: خدا، ارتش و جنگ آمریکا علیه ترور" اثر حسن عباس است که در سال ۲۰۰۴ منتشر شد. تمرکز اصلی کتاب بر افزایش افراط‌گرایی در پاکستان و تجزیه و تحلیل سیاست‌های ارتش پاکستان در ارتباط با ایالات متحده است. عباس در این کتاب با تشریح عوامل و بسترهای پیدایش افراط‌گرایی در پاکستان، پیشینه و سوابق رهبران گروه‌های جهادی را با جزئیات

پیدایش و منشاء این گروه‌ها و علل توسعه آن‌ها بررسی می‌کند. بخش بسیار جالب کتاب که نوآوری و نبوغ نویسنده را نشان می‌دهد، مصاحبه با مقام‌های اطلاعاتی ارتش پاکستان و رابطان اطلاعاتی ارتش با گروه‌های رادیکال می‌باشد. وی در فصلهای مختلف کتاب چند حادثه مهم داخلی و بین‌المللی تاریخی را بررسی می‌کند که به زعم وی در پیدایش افراط-گرایی در پاکستان نقش زیادی داشته‌اند. این حوادث عبارتند از عملیات جبل الطارق (جنگ با هند ۱۹۶۵)، توطئه پشت پرده سقوط هواپیمای ژنرال ضیاءالحق در سال ۱۹۸۸، کودتای نظامی طراحی شده توسط بنیادگرایان در ارتش در سالهای ۴-۱۹۹۳ و چگونگی استراتژی‌ها و رفتار ژنرال مشرف برای فرار از وضعیت بحرانی بعد از ۱۱ سپتامبر. همچنین حسن عباس با بررسی روابط هند و پاکستان، مناقشه کشمیر و مسئله دکتر عبدالغدير خان و بحران سلاح‌های هسته‌ای پاکستان، در بخش آخر سعی می‌کند با تلفیقی از عوامل مختلف، ظهور افراط‌گرایی در پاکستان را توضیح دهد. هر چند که وی در آخر ذکر می‌کند که مناقشه هند و پاکستان و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در افغانستان و پاکستان از جمله آمریکا، بیشترین نقش را در شکل‌گیری بنیادگرایی مذهبی در این کشور داشته‌اند. (Abbas, 2004:34-35)

همچنین در این مورد، مقاله‌ای تحت عنوان "زیربنای اجتماعی و اقتصادی جهادیسیم در پاکستان" وجود دارد که توسط سوشانت سارین نوشته شده است. سارین ظهور جنبش‌های جهادی در پاکستان را در وهله اول به عوامل ایدئولوژیک و مذهبی که به زعم وی اجتماعی نامیده می‌شوند و در مرحله دوم به عوامل اقتصادی مرتبط می‌داند. وی اذعان می‌کند که عوامل مختلف از جمله اقتصاد شکننده پاکستان و نابرابری و فاصله طبقاتی در کنار هزاران نفر از مردان جوان که تحت تاثیر ایدئولوژی رادیکال اسلام سیاسی، آرمان‌ها و رویاهای خود را در جامعه آرمانی اسلام و نظم اسلامی جستجو می‌کنند، باعث شده تا آنها برای رسیده به آرمان خود، جذب گروه‌های رادیکال شوند. سارین در بخشی از مقاله ضمن تشریح وضعیت اسفبار جامعه پاکستان و آوردن چند نقل قول از بیانیه‌ها و اساسنامه‌های تشکیلاتی گروه‌های اسلامی و مصاحبه با چند نفر از جوانان که عضو گروه‌های جهادی بوده‌اند، از دیدگاه آن‌ها، تنها راه برون‌رفت از وضعیت ناعادلانه فعلی را جهاد داخلی و بین‌المللی برای رسیدن به حکومت اسلامی و جامعه آرمانی جهانی اسلام با رویکردی

خشونت‌آمیز می‌داند. وی همچنین با تحلیل جابه‌جایی قدرت در جامعه پاکستان از نخبگان فتودال به نظامیان (که به سیاستمداران فاسد تبدیل می‌شوند) و همچنین نسلی از رهبران مذهبی که با سخنرانی‌های آتشین خود، مرهمی بر زخم‌های هزاران نفر از جوانان سرخورده و ناامید می‌گذارند، بر افزایش تاثیر رهبران مذهبی در جامعه پاکستان مخصوصاً در مناطق قبيله‌ای و جایگزین شدن قدرت آنها به جای نخبگان فتودال تاکید می‌کند. سارین در نتیجه‌گیری و تحلیل آینده، راهکاری را برای مبارزه با اسلام جهادی در پاکستان و افول آن پیشنهاد می‌کند. وی تاکید می‌کند که دولت و مراکز دینی باید ضمن طراحی و تکامل یک چارچوب ایدئولوژیک در مقابل چارچوب جهادگرایان و با سرمایه‌گذاری بر روی آموزش در مناطق فقیرنشین تبلیغات بنیادگرایان را خنثی کند. (Sareen, 2011:p 6-11) در میان منابع فارسی نیز کتب و مقالات زیادی در این زمینه نوشته شده که ما به یکی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم. از جمله این کتب، کتاب «افراط‌گرایی در پاکستان (مبانی، عملکرد و چشم انداز)» نوشته جواد جمالی است. جمالی در این کتاب با رویکردی تئوریک به بررسی مبانی اولیه و مقوم افراط‌گرایی (هویت، ایدئولوژی) با اتکاء به آموزه‌های مکتب سازه‌انگاری در پاکستان می‌پردازد. وی ضمن ارائه شاخص‌های سازه‌انگارانه رفتار افراط‌گرایان از جمله ارزش‌ها، فرهنگ خشونت، افکار و ایدئولوژی، قواعد و هنجارها و تحلیل ژئوپلیتیک افراط‌گرایی در پاکستان و مناطق مختلف آن به تبارشناسی طیف‌ها و جریان‌های افراط‌گرا در پاکستان می‌پردازد. (جمالی، ۱۳۹۰: ۲۰)

به طور کلی همانطور که سابقه پژوهش نشان می‌دهد، اکثر کتب و مقالاتی که تحولات پاکستان و رشد افراط‌گرایی و اسلام رادیکال را در آن بررسی می‌کنند، ضمن ریشه‌یابی عوامل چندگانه مختلف این پدیده، از جمله فقر، عدم آموزش، بهداشت، مسائل هویتی، ارزشی و ایدئولوژیک، حمایت‌های خارجی، ارتش و... به ارائه راه حل می‌پردازند. هر کدام از این کتب و مقالات، عوامل ذکر شده را یا به عنوان عوامل بوجود آورنده و یا عوامل تشدید کننده نام برده‌اند و بر یکی از آنها تاکید بیشتری داشته‌اند. این مقالات و کتب هر کدام از رویکرد و دیدگاهی خاص به مسئله افراط‌گرایی در پاکستان نگریسته‌اند. بر این اساس می‌توان آنها را به دو دسته کلی تقسیم کرد. دسته اول با محور قراردادن عوامل

ایدئولوژیک، هویتی و ارزشی به عنوان عوامل اولیه بنیادگرایی به اندازه کافی به تبیین عوامل ثانویه (از جمله فقر، عدم آموزش، اقتصاد شکننده، بهداشت، حمایت‌های خارجی و...) نپرداخته‌اند. از جمله این آثار، کتاب جواد جمالی، کتاب "پاکستان: میان مسجد و ارتش" نوشته حسن حقانی، کتاب "بازی با آتش؛ پاکستان در جنگ با خود" نوشته پاملا کانستبل، کتاب "خط مقدم پاکستان: مبارزه با اسلام نظامی" نوشته زاهد حسین، مقاله "زیربنای اجتماعی و اقتصادی جهادیسلم در پاکستان" که توسط سوشانت سارین نوشته شده و آثار مشهور دیگری که به عوامل اولیه یعنی ارزشها، ایدئولوژی و هویت بیش از عوامل ثانویه مانند مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و... بها داده اند. دسته دوم آثار نیز، با بررسی عوامل ثانویه مانند فقر اقتصادی، نبود آموزش کافی، سیستم ناکارآمد بوروکراسی دولتی و ارتش، فساد سیاستمداران و نظامیان و... از توجه به عوامل اولیه مانند هویت و ایدئولوژی غفلت ورزیده و یا آن‌ها را کمتر مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب «جهت بی‌مقدمه پاکستان به سوی افراط‌گرایی: خدا، ارتش و جنگ آمریکا علیه ترور» اثر حسن عباس، کتاب "باتلاق پاکستان: امنیت، استراتژی و آینده امت اسلامی هسته ای" نوشته اسامه بات و نیل الهی، کتاب "پاکستان: دموکراسی، تروریسم و ملت سازی" نوشته افتخار مالک اشاره کرد. در مورد افراط‌گرایی در پاکستان آثار زیادی وجود دارد که در این نوشتار بنا بر ضرورت به طور خلاصه و کوتاه به تعدادی از این آثار به عنوان پیشینه تحقیق اشاره شد.

در سال ۲۰۱۰ سیلی سهمگین، پاکستان را درنوردید که حدود بیست درصد از کل مساحت این کشور را زیر آب برده و این کشور نابسامان از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را با چالش‌ها و معضلات جدید و بغرنج‌تری روبرو ساخت. این سیل از عوامل تاثیرگذار بر تشدید افراط‌گرایی در پاکستان است که در کتب و مقالاتی که بعد از سال ۲۰۱۰ میلادی نیز به رشته تحریر درآمده‌اند، اشاره‌ای به آن نشده است. مقاله پیش‌رو در پی آن است تا بازتاب‌ها و تاثیرات بحران سیل ویرانگر ۲۰۱۰ پاکستان را بر افراط‌گرایی در این کشور مورد بررسی قرار دهد. در این ارتباط ابتدا به بررسی مفهوم افراط‌گرایی پرداخته و ویژگی‌های این پدیده مورد بحث قرار می‌گیرد. سپس به طبقه‌بندی مهمترین گروه‌های افراطی

پاکستان پرداخته و در نهایت نیز با بررسی پیامدهای اقتصادی و سیاسی سیل پاکستان. به این نکته مهم اشاره می‌کنیم که این بحران، علاوه بر اینکه عزم و همگرایی گروه‌های اسلامی این کشور را برای کمک به مردم مناطق سیل‌زده بیشتر کرده است؛ به دلیل موج نارضایتی عمومی و نابسامانی که آن را به دولت نسبت می‌دادند، باعث رشد افراطی‌گرایی در بخش‌های مختلف جامعه پاکستان نیز شده است.

مفهوم شناسی افراط‌گرایی

افراط‌گرایی جزو مفاهیم مبهم و دارای فهم دشوار است. اما به طور خلاصه آنچه در اینجا به افراط‌گرایی تعبیر می‌شود، نوعی رفتار خشونت‌گرای هدفمند است که پشتوانه بسیار قوی هویتی و ایدئولوژیک دارد و مهمترین ویژگی آن «صدمه زدن» به دیگران است. لذا افکار تندروانه‌ای که به اقدام منجر نشود و صرفاً در کنج اذهان پیروانش مسکوت بماند، در قالب افراط‌گرایی موضوعیت نمی‌یابد. (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۱)

افراط‌گرایی مبتنی بر مذهب است، اما مذهب افراط‌گراها همان مذهب عموم مردم نیست. این مذهب بنا به مقاصد سیاسی دستکاری شده و خصلتی آرمانی پیدا کرده است. آن‌ها وجوهی از سنت را گزینش کرده و برجسته می‌سازند و ابعاد دیگر آن را مورد انتقاد قرار می‌دهند. آن‌ها مدرنیته را خطری برای هویت و ارزش‌های خود تلقی کرده و به ضدیت با آن برمی‌خیزند. افراط‌گرایان از وضعیت موجود نارضی بوده و وعده جامعه‌ای کامل را می‌دهد. آن‌ها برای تحقق اهداف خود به قدرت سیاسی چشم دارند و از این رو می‌کوشند با تسلط بر دولت، آموزه‌ها و قوانین مدنظر خود را در همه ارکان و شئون جامعه جاری کنند. باید توجه داشت که هدف خشونت افراط‌گراها برانگیختن گروه هدف به پاسخی نامتناسب، تندرو کردن میانه‌روها و در درازمدت، جلب حمایت از اهداف جاه‌طلبانه‌شان است. (Borum, 2011: 9)

افراط‌گراها که فاقد ابزار سیاسی یا قدرت مدنی لازم برای رسیدن به اهدافشان هستند، برای اعمال خشونت از «ترور» به مثابه «راهبرد» استفاده می‌کنند. این بدان معناست که افراط‌گرایی و تروریسم با یکدیگر در پیوند نزدیک هستند. آن‌ها عموماً با استفاده از دو

راهبرد تروریستی «بمب‌گذاری» و «حمله انتحاری» اهداف خود را نشانه می‌گیرند. (شهبند، ۱۳۹۰: ۵۸)

تقسیم‌بندی گروه‌های افراط‌گرا در پاکستان

گروه‌ها و احزاب مذهبی همواره در طول تاریخ پاکستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. به طوری که در طول تاریخ شصت ساله این کشور به عنوان یکی از بازیگران اصلی در صحنه سیاست نقش‌آفرینی کرده‌اند. با نگاهی به سازمان‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا در درون صحنه سیاسی-اجتماعی پاکستان، دو دسته گروه اسلامی قابل تمایز است. دسته اول که می‌توان آنها را گروه‌ها و احزاب مذهبی رسمی نامید، معتقد به اصلاح از طریق سازوکارهای دموکراتیک و قانونی بوده و اهداف و آرمانهای مورد نظر خود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز دنبال کرده و کمتر به خشونت روی می‌آورند. از احزاب و گروه‌های این دسته می‌توان به جماعت اسلامی، جمعیت علماء اسلامی، جمعیت علماء پاکستان، جمعیت اهل حدیث و تحریک جعفریه پاکستان اشاره کرد. تقریباً در ۳۰ سال اول تاسیس پاکستان، یگانه حزب مذهبی واقعی، جماعت اسلامی بود که در صحنه سیاست، فعالیت چندانی نداشت، اما با روی کار آمدن ژنرال ضیاءالحق، جماعت اسلامی پاکستان مهمترین گروه اسلامی بود که با وی همکاری داشت. (Abbas, 2004: 34-35) ضیاءالحق آموزه‌های مولانا ابوالاعلی مودودی، پدر معنوی و بنیان‌گذار این گروه را اقتباس کرد و در ارتش، دولت و نهادهای جامعه گسترش داد. از آن پس اسلام به عنوان یک نیروی سیاسی عمده در پاکستان مطرح بوده و فعالیت داشته است.

از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد، دسته دیگری از جریان‌ات و گروه‌های مدعی اسلام سیاسی در پاکستان رویدند که می‌توان آنها را گروه‌های افراطی یا ستیزه‌جو نام نهاد. این گروه‌های تندرو، برخلاف گروه‌های مذهبی رسمی، سازوکارهای قانونی و مشارکت در نظام سیاسی را برای اهداف ایدئولوژیک خود مناسب نمی‌دانند و تنها راه، برای رسیدن به آرمان‌های

خود را جهاد خشونت‌بار می‌دانند. بعضی از این گروه‌ها در واقع شاخه نظامی و خشونت‌گرای گروه‌های سیاسی- مذهبی رسمی پاکستان می‌باشند. چندین راه برای تقسیم بندی این گروه‌های افراطی وجود دارد. می‌توان بر اساس اهداف سیاسی و مذهبی این گروه‌ها، تقسیم‌بندی زیر را مد نظر قرار داد:

• گروه‌هایی که سنتا بر کشمیر تمرکز دارند. این دسته شامل سازمان‌هایی نظیر جیش محمد، و لشکر طیبه می‌باشد.

• گروه‌هایی که سنتا و ذاتا فرقه‌ای بوده‌اند. این دسته شامل گروه ضد شیعی لشکر جهنگوی و سپاه صحابه پاکستان است.

• گروه‌های شبه نظامی ضد دولتی. مهمترین آن‌ها ارتش آزادیبخش بلوچستان است که در تعقیب اهداف سیاسی خود دولت را هدف خشونت قرار می‌دهند. (Fair, 2004: 491). در یک تقسیم‌بندی دیگر، افراط‌گرایی در پاکستان را می‌توان به لحاظ کارکردی به جریان‌هایی با رویکرد درون‌مرزی و جریان‌های با رویکرد برون‌مرزی تقسیم کرد:

۱- جریان‌های با رویکرد داخلی: گروه‌های مانند بقایای القاعده، تحریک طالبان پاکستان، سپاه صحابه و لشکر جهنگوی پس از بازگشت از افغانستان مقابله با شیعه و حتی اهل سنت میانه رو را در پیش گرفتند. باید توجه داشت که اولویت هدف‌گذاری حملات این دسته بیشتر داخل پاکستان است. (بی نام، ۱۳۸۸: ۱۲۳)

۲- جریان‌های با رویکرد برون‌مرزی: در این طیف، گروه‌هایی چون جیش محمد و لشکر طیبه عمدتاً عملکرد ضد هندی دارند و از مبارزان کشمیری حمایت می‌کنند. طالبان افغان و هم‌تایان پاکستانی آن‌ها نیز رویکرد ضد اشغالگری و ضد آمریکایی دارند که بر علیه اهدافی در داخل افغانستان حمله می‌کنند. (جمالی، ۱۳۹۰: ۶۲)

جدول ۱-۱ برخی از مهمترین گروههای افراط‌گرا در پاکستان

ردیف	گروهها و طیفها	مکتب فکری	بنیانگذار	جغرافیای حضور و نفوذ	اهداف	رویکردها	پیوندهای درون شبکه افراطی گری
۱	تحریک نفاذ شریعت محمدی	وهابی - سلفی	مولانا صوفی محمد	دره سوات	اجرای شریعت طالبانی	ضد آمریکایی و ناتو و ضد دولتی	همکاری با طالبان افغان و القاعده
۲	سپاه صحابه پاکستان	دیوبندی	حق نواز جنگجوی	پنجاب وسایر ایالات	جولوگیری از رشد تشیع سیاسی	ضد دولتی ضد شیعی	همکاری با تحریک طالبان پاکستان و لشکر جنگجوی
۳	لشکر جنگجوی	وهابی	زیاض بسرا	سراسر پاکستان	فرقه گرامی و تاسیس حکومت فرقه گرا	ضد شیعی	ارتباط با طالبان افغان و القاعده
۴	لشکر طیبه	اهل حدیث	حافظ محمد سعید	پنجاب و کشمیر آزاد	آزاد سازی کشمیر از سلطه هند	ضد هندی ضد آمریکا	پیوند با القاعده و گروه مجاهدین هند
۵	تحریک طالبان پاکستان	دیوبندی	بیت الله محسود	مناطق هفت گانه قبایلی وزیرستان (فنا)	جهاد دفاعی - تاسیس امارت مبتنی بر شریعت	ضد دولتی و فرقه گرایانه	همکاری عملیاتی با القاعده لشکر جنگجوی
۶	جیش محمد	سلفی - دیوبندی	مولانا مسعود اظہر	کراچی و کشمیر	استقلال کشمیر و تضعیف قدرت هند	ضد هند، ضد آمریکا، ضد دولتی	همکاری با لشکر جنگجوی و سپاه صحابه

منبع : <http://www.satp.org> (South Asia terrorism portal)

سیل ۲۰۱۰ پاکستان

سیل ویرانگر پاکستان از اواخر جولای ۲۰۱۰ و بر اثر بارشهای سنگین موسمی در ایالت‌های خیبرپختونخوا، سند، پنجاب و بلوچستان شروع شد و تا ۱۰ اوت (۱۹ مرداد ۱۳۸۹) مستمرا و به شکل متناوب ادامه یافت. جاری شدن سیل که موجب طغیان رودخانه‌ها، آب-گرفتگی و رانش زمین در شمال غرب، مرکز و جنوب پاکستان شد، بسیاری از خانه‌ها، محصولات و زمین‌های زراعی را تخریب کرد. این سیل شدیدترین سیلاب این کشور از

سال ۱۹۲۹ میلادی محسوب می‌شود. (حسینی عارف، ۱۳۸۹: ۴) این سیل، تاکنون با بلایا و فجایع طبیعی مختلفی در جهان مقایسه شده است؛ از جمله با سونامی اقیانوس هند در سال ۲۰۰۴ که بیش از ۲۲۰۰۰۰ نفر را به کام مرگ کشاند و به اندازه تمام سونامی‌های ۱۵۰ سال اخیر تلفات داشته است. همچنین این سیل با دو زمین‌لرزه ویرانگر دیگر نیز مقایسه می‌شود. یکی با زمین‌لرزه ۲۰۱۰ هائیتی که بیش از دو بیست هزار قربانی گرفت و بیشتر تاسیسات زیربنایی این کشور کوچک آمریکای مرکزی را ویران کرد و دیگری با زمین‌لرزه سال ۲۰۰۵ در بخش پاکستانی کشمیر که بیش از ۷۵۰۰۰ کشته و ۳/۵ میلیون بی‌خانمان بر جای گذاشت. (Kronstadt and others, 2010: 12-13) اما باید توجه داشت، تعداد افرادی که از سیل ویرانگر ۲۰۱۰ پاکستان متاثر شدند از مجموع تعداد سه حادثه فوق‌الذکر (سونامی ۲۰۰۴ اقیانوس هند، زمین‌لرزه ۲۰۰۵ کشمیر تحت کنترل پاکستان و زمین‌لرزه ۲۰۱۰ هائیتی) به مراتب بیشتر بود. بر اثر این سیل، حدود یک پنجم کل مساحت پاکستان به زیر آب رفته و حدود یک میلیون خانه ویران و حدود یک دهم مردم پاکستان که معادل ۲۰ میلیون نفر می‌شود در وضعیتی بسیار نامناسب قرار گرفتند. (Singh, 2010) تخمین زده می‌شود هنوز هشتصد هزار خانواده سرپناه امنی ندارند و بیش از یک میلیون نفر به غذا نیاز دارند.

جدول ۱-۲ استان‌ها و جمعیت تاثیر پذیرفته از سیل پاکستان

استان	خانه‌های خسارت دیده	مجروحان	کشته شدگان	جمعیت تحت تاثیر
بلوچستان	۷۵۲۶۱	۱۰۲	۴۸	۶۷۲۱۷۱
خیبر پختونخواه	۲۰۰۷۹۹	۱۱۹۳	۱۱۵۶	۴۳۶۵۹۰۹
پنجاب	۵۰۰۰۰۰	۳۵۰	۱۱۰	۸۲۰۰۰۰۰
سند	۱۰۵۸۸۶۲	۹۰۹	۱۹۹	۶۹۸۸۴۹۱
جامو و کشمیر آزاد	۷۱۰۸	۸۷	۷۱	۲۴۵۰۰۰
گلیگت-بالتستان	۲۸۳۰	۶۰	۱۸۳	۸۱۶۰۵
جمع کل استان‌ها	۱۸۴۴۸۶۰	۲۷۰۱	۱۷۶۷	۲۰۵۵۳۱۷۶

همانطور که در جدول ۱-۲ مشاهده می شود جمعیتی حدود ۲۰ میلیون نفر از سیل تاثیر پذیرفته اند و اکثر آن ها از شهر و خانه شان آواره شده اند و به آب و مواد غذایی احتیاج دارند. این جمعیت طعمه خوبی برای گروه های جهادی افراطی هستند. در بخش بعدی به پیامدهای مختلف اقتصادی، سیاسی سیل و همچنین تاثیر آن بر افراط گرایی در پاکستان می پردازیم.

پیامدهای اقتصادی سیل برای پاکستان

اقتصاد پاکستان به طور عمده وابسته به کشاورزی است و حدود ۳۳ درصد تولید ناخالص ملی آن را تشکیل می دهد. به جز نواحی شمالی و غربی این کشور که کوهستانی است؛ بقیه نواحی پاکستان قابل کشت است. همچنین یکی از وسیع ترین شبکه های آبیاری جهان که به وسیله رود سند و شعبه های پنج گانه آن تشکیل شده است و نزدیک به ۱۹/۴ میلیون هکتار از اراضی را آبیاری می کند، در این کشور واقع شده است. (فرخی، ۱۳۷۶: ۸۲) اکثریت مردم این کشور نیز یا کشاورز بوده یا به نوعی با کشاورزی در ارتباط هستند؛ به طوری که نزدیک به ۴۵ درصد جمعیت فعال این کشور در بخش کشاورزی مشغول به فعالیت بوده اند. (Faruqui, 2004: 17) اما سیل سهمگین سال ۲۰۱۰ تاثیرات بسیار جبران ناپذیری بر اقتصاد این کشور و به ویژه بخش کشاورزی و دامپروری این کشور گذاشت. سیل بیش از ۱۷ میلیون هکتار از حاصل خیزترین زمین های کشاورزی پاکستان و نزدیک به ۲۰۰ هزار راس دام را نابود و مقدار زیادی از مواد غذایی و غلات ذخیره شده را شسته و با خود برد؛ که این امر باعث شد تا قیمت مواد غذایی از جمله گوشت، شیر و سبزیجات در اثر از بین رفتن محصولات کشاورزی و دام دو، سه برابر شود. همچنین، از دست رفتن محصولات صادراتی مانند پنبه، برنج، نیشکر و گندم، اقتصاد پاکستان را از درآمدهای هنگفتی محروم ساخت. (واعظی و کوزه گر کالجی، ۱۳۹۰: ۲۰۷-۲۰۶) آمارها گویای آن است که پس از وقوع سیل تورم با افزایش ۲ درصدی از ۹/۲ درصد به ۱۱/۲ درصد رسیده است. تخمین ها نشان می دهد که یک درصد از رشد تولید ناخالص ملی (GNP) به علت سیل کاهش یافته و از ۴/۱ درصد به ۳/۲ درصد رسیده است. فشارهای ناشی از تورم، بانک مرکزی پاکستان را

مجبور کرد تا نرخ بهره را از ۱۲/۵ درصد به ۱۳ درصد افزایش دهد که این امر مشکلات اقتصادی پاکستان را افزایش داد. (Kronstadt and others, 2010: 18)

فراتر از دست رفتن جان انسان‌ها، این سیل صدمات هنگفتی به اموال و زیرساخت‌های کشور از جمله جاده‌ها، خطوط راه‌آهن، شبکه‌های ارتباطی و خطوط تامین انرژی وارد کرد. بسیاری از نیروگاه‌های برق از کار افتادند و میلیون‌ها نفر بدون برق ماندند. برآورد می‌شود که ضربه اقتصادی این حادثه حدود ۴۳ میلیارد دلار خواهد بود (Pakistan Flood Event Recap Report, 2010: 5-7) این در حالی است که دولت پاکستان توانایی جبران این خسارت عظیم را ندارد. بدهی‌های پاکستان تا تابستان ۲۰۱۰، حدود ۵۵/۵ میلیارد دلار بوده که این مقدار در سال ۲۰۱۶ به ۷۳ میلیارد دلار می‌رسد (Georges and Rakistis: 2012: 140)

پیامدهای سیاسی سیل پاکستان

سیل پاکستان علاوه بر صدمات انسانی و فیزیکی بی‌شماری که بر جای گذاشت، این کشور را با یک بحران حاد سیاسی نیز مواجه ساخت. خشم مردم از ناکارآمدی دولت «آصف علی زرداری» در رسیدگی به سیل‌زدگان به حدی زیاد بود که بسیاری از تحلیل‌گران احتمال بروز ناآرامی و حتی اقدام نظامی ارتش را می‌دادند. زرداری که در بحبوحه بدترین فاجعه طبیعی پاکستان در ۸۰ سال گذشته، به تور اروپایی خود رفته بود، مورد انتقادات شدید قرار گرفت. او بیش از یک هفته در اروپا بود و حتی حاضر نشد یک روز از سفر برنامه‌ریزی شده خود را کم کند (حسینی عارف، ۱۳۸۹: ۵) پس از وقوع سیل و مشکلات ناشی از آن، این کشور روز به روز در موضع ضعیف‌تری قرار گرفت. این سیل، پاکستان را بصورتی کاملاً جدی با بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی مواجه ساخت و درگیریهای قومی و فرقه‌ای، که از قبل نیز، به صورت مستمر وجود داشت، را تشدید و اختلافات طبقاتی را به حد انفجارآمیزی کشاند و عملاً دولت فعلی را در معرض سقوط و تغییراتی جدی را در حاکمیت بوجود آورد. این در حالی است که ارتش پاکستان به خاطر حضور جدی و ملموس در صحنه و فعالیت‌های خود برای نجات مردم گرفتار در سیل توانست از خود چهره‌ای منجی و حامی مردم پاکستان به اثبات برساند. (واعظی و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۰: ۲۰۸) در جریان سیل، بیش از شصت هزار سرباز و تقریباً تمام ناوگان

هلیکوپتر ارتش درگیر امدادسانی به سیل‌زدگان بودند؛ اما کارایی این نیروها به دلیل زیرساخت‌های ضعیف، که پیشتر به وسیله سیل ساییده و یا کاملاً نابود شده بود، محدود شد (Rashid, 2010). بر خلاف وجهه مثبت ارتش، دولت‌مردان پاکستانی از سوی سیل‌زدگان و احزاب مخالف شدیداً مورد انتقاد قرار گرفتند. برای نمونه، الطاف حسین رهبر قومی مهاجرین کراچی که در لندن سکونت دارد علیرغم اینکه اعضای حزبش در دولت مرکزی و دولت ایالتی سند حضور دارند، با انتقاد شدید از دولت زرداری، از ژنرال‌های ارتش به صورت صریح درخواست کرد که به داد مردم سیل زده پاکستان رسیده و بخاطر مردم هم که شده حکومت نظامی برقرار نمایند (Kronstadt and others, 2010: 21). نواز شریف رهبر حزب مسلم لیگ (شاخه نواز) نیز که دولت ایالتی پنجاب را در اختیار دارد، دولت مرکزی را شدیداً مورد انتقاد قرار داده و به بی‌لیاقتی متهم نموده است. میرظفر... خان جمالی، نخست‌وزیر سابق، نیز که از ایالت بلوچستان پاکستان بود، دولت مرکزی و دولت ایالتی سند را مورد انتقاد قرار داده و دولت ایالت سند را متهم کرده که دولت سند به خاطر حفظ منافع خودش به عمد مسیر سیل را منحرف کرده و یک میلیون نفر از مردم را آواره و املاک و زمین‌های آنان را از بین برده است. این نوع اعتراضات در ایالتی صورت می‌گیرد که مردم آن جا از قبل دارای افکار جدائی‌طلبانه بوده و به دنبال جدائی از پاکستان می‌باشند (بی نام، ۱۳۸۹).

تأثیر سیل بر افراط‌گرایی در پاکستان

باران‌های شدید و سیل ویرانگر فقیرترین و کم‌سوادترین مناطق پاکستان را تحت تأثیر قرار داد. مناطقی که از قبل از وقوع سیل، گروه‌های افراطی و جنبش‌های جدایی‌طلب حضور پررنگی در آنجا داشتند. این امر و واکنش کند دولت مرکزی در امدادسانی، یک فرصت طلایی به افراط‌گرایان و شورشیان فرقه‌گرا داد تا نظر مساعد مردم عادی پاکستان را نسبت به خود جلب کند. (Lieven, 2011: 147). در ایالت خیبرپختونخوا، سیل تنها چند ماه بعد از عملیات نظامی دولت علیه شبه نظامیان در دره سوات روی داد. سیل باعث نابودی بسیاری از زیر ساخت‌های اقتصادی این ایالت از جمله پل‌ها، تیرهای چراغ برق، جاده‌های شوسه و محصولات کشاورزی شد؛ که همه این موارد باعث کاهش کنترل دولت مرکزی بر

مناطق دور افتاده، بویژه مناطق هم مرز با افغانستان، شد. این وضعیت نابسامان، به سرعت بوسیله طالبان محلی مورد استفاده قرار گرفت. آنها در جریان سیل، مانع از امداد رسانی سازمانهای غیردولتی شدند. در حالی که اجازه می‌دادند تا گروه‌های شبه‌نظامی، اردوگاه‌های امدادی خود را برپا کرده و گسترش دهند. (Singh, 2010) علاوه بر این، سیل با تخریب زیرساختهای فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، برای مدت‌های مدیدی مبارزه ارتش پاکستان علیه گروه‌های افراطی را تحت تاثیر قرار داد؛ زیرا تروریست‌هایی که از مناطق مرزی برای آموزش و تماس با القاعده و طالبان افغان استفاده می‌کردند اکنون، راحت‌تر می‌توانستند کارهای خود را پیش ببرند. طالبان، سیل پاکستان را به جای یک فاجعه به مثابه فرصتی بزرگ برای عضوگیری از درون پاکستان می‌بیند. (Siddiqa, 2011: 159) دشت‌های جنوب پنجاب و شمال سندیکه دیگر از مراکز جذب و عضوگیری افراط‌گرایان است؛ جایی که میلیون‌ها هکتار از زمینهای کشاورزی نابود شده و روستای زیادی شسته شده‌اند. بیکاری و درماندگی باعث شد تا بیشتر جوانان به شبه نظامیانی بپیوندند که به طور گسترده تبلیغ می‌کردند. در ایالت بلوچستان که هم با شورشیان جدایی طلب بلوچ و هم با استقرار پایگاه‌های طالبان افغان روبرو است؛ سیل، اقتصاد معیشتی و بسیاری از زیرساختها را تخریب کرد. این امر باعث شد تا جدایی طلبان بلوچ، دولت را به خاطر کوتاهی در تلاش‌های امدادی مورد سرزنش قرار داده و خواستار تشدید مبارزه برای استقلال شوند. (Rashid, 2010)

یکی از معدود گروه‌های افراطی که در پاکستان همزمان دو نوع کارکرد اجتماعی و نظامی دارد. لشکر طیبه است. کادرهای اصلی و سایر نیروهای این سازمان در قالب دفترهای خیریه و فعالیتهای فرهنگی - اجتماعی به جذب نیرو می‌پردازند. این گروه دارای سه هزار شعبه در سراسر پاکستان بوده و بیست موسسه اسلامی و صد و چهل مدرسه مدرن و شمار زیادی مدارس دینی دیگر را نیز اداره می‌کند. (جمالی، ۱۳۹۰: ۷۸-۷۷) بعد از حملات تروریستی نوامبر ۲۰۰۸ بمبئی که لشکر طیبه متهم اصلی آن شناخته شد، فعالیت این گروه در پاکستان ممنوع و تحت تعقیب دولت قرار گرفت. از آن تاریخ، لشکر طیبه به جماعت - الدعوه تغییر نام داد این گروه افراطی در طی دوران سیل، تحت لوای بنیاد خیریه «فلاح انسانیت» اردوگاه‌های امدادی بسیاری را در سراسر پاکستان ایجاد کرده و حضوری چشم گیر

در مناطق سیل‌زده داشت. اعضای این بنیاد، خدماتی مانند دادن غذا به قربانیان و تامین لباس، لوازم پزشکی و حتی پول را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دادند. در نمونه دیگر، مدرسه «دارالعلوم حقانی» به عنوان یک مرکز شبانه‌روزی بنیادگرا که نفرت ارشد طالبان از میان فارغ التحصیلانش بوده، با تبدیل شدن به پناهگاه به حداقل ۲۵۰۰ نفر از قربانیان سیل خدماتی مانند غذا، برق و درمان رایگان ارائه داد. به طور کلی سازمان‌های افراطی که دارای شبکه‌های قوی مردمی هستند در بسیج و توزیع منابع و کمک‌های امدادی برای سیل‌زدگان بسیار موثرتر از سازمان‌های دولتی عمل کردند.

(International Institute for Strategic Studies, 2010: 4)

البته باید توجه داشت که چنین اقداماتی از سوی گروه‌های افراطی در گذشته هم مسبوق به سابقه بوده است. در اکتبر ۲۰۰۵ و بعد از زلزله ویرانگر در بخش کشمیر تحت کنترل پاکستان که با پاسخ کند و غیرهماهنگ دولت مرکزی همراه بود؛ این گروه‌های افراطی بودند که امدادرسانی فوری را در مناطق دور افتاده آغاز کردند. گروه‌های ستیزه‌جویی مانند لشکر طیبه (جماعه‌الدعوه) و سازمان آل‌رشید (سازمانی که به دلیل ارتباط با القاعده تحت تحریم‌های سازمان ملل قرار دارد)، نخستین گروه‌هایی بودند که با آب آشامیدنی، غذا و دارو به مناطق زلزله‌زده رسیدند. این گروه‌ها با انتشار آگهی‌های کمک در نشریات اصلی پاکستان و همچنین با ساختن مدارس و یتیم‌خانه‌ها برای قربانیان زلزله توانستند اعتماد عمومی پاکستانی‌ها را بدست آورده و دایره نفوذ خود را گسترش دهند. آنها حتی توانستند در مناطقی که قبلاً حضورشان محدود و کم‌رنگ بود؛ جای پای محکمی بدست آورند. (Kronstadt and others, 2010: 22) در این میان آمریکا نیز به شدت از اوضاع داخلی پاکستان و سلطه گروه‌های بنیادگرا از جمله طالبان و القاعده بر کل پاکستان نگران است. آمریکا هنوز هم با توجه به اوضاع وخیم پاکستان، روزانه، هواپیماهای بدون سرنشین خود را به مناطق قبایلی می‌فرستد تا فرماندهان و اعضای گروه‌های تروریستی و افراطی را نابود کند. زیرا می‌داند که در این شرایط بیشترین نفع را گروه‌های بنیادگرا خواهند برد.

به طور کلی، زمان وقوع سیل نمی‌توانست از این بدتر باشد. چرا که در مناطق سیل‌زده دولت پاکستان مشغول نبرد با شورشیان بود. با این حال، دولت نتوانست در جنگ علیه شبه

نظامیان کاملاً موفق باشد. افراط‌گرایان توانستند حمایت همگانی بیشتری را نسبت به دولت مرکزی بدست بیاورد که چنین امری برای دولت پاکستان که در پی مهار گروه‌های تندرو است، چالش‌برانگیز خواهد بود. (Lieven, 2011: 119) گروه طالبان و دیگر گروه‌های تندرو از این فرصت بهترین استفاده را برده‌اند و در کمک به سیل‌زدگان در مناطق دوردست و صعب‌العبور کوهستانی از ارتش، دولت و نیروهای خارجی هم پیشروتر بوده‌اند. این اقدام آن‌ها می‌تواند منجر به افزایش محبوبیت و همین‌طور کارایی آن‌ها نزد مردم شود و این باعث پیوستن افراد بیشتری به آن‌ها خواهد شد. (Georges and Rakistis, 2012: 145)

نتیجه

پاکستان از نظر پیچیدگی سیاست داخلی و خارجی، یک کشور منحصر به فرد است. این کشور از ۱۴ اوت سال ۱۹۴۷ که به عنوان یک کشور مسلمان بر روی نقشه سیاسی جهان پدیدار گشت تا زمان حال، همواره گرفتار برخوردهای پیاپی فرقه‌ای و گسترش چشمگیر افراطی‌گری بوده است که پیامد آن بر همه شئون کشور، به ویژه وضعیت نظام سیاسی حاکم، سایه انداخته است. سیل ویران‌گر ۲۰۱۰ پاکستان وضعیت ناگوار پاکستان را پیچیده‌تر کرد. این سیل نه فقط زندگی میلیون‌ها نفر را تحت تاثیر قرار داد بلکه چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای پاکستان، منطقه و جامعه بین‌المللی ایجاد کرد. بر اثر این سیل، تنش‌های قومی و اجتماعی در پاکستان افزایش یافت و موسسه‌های خیریه اسلامی وابسته به گروه‌های افراطی با امدادسانی به سیل‌زدگان و اعزام هزاران داوطلب به مناطق صعب‌العبور توانستند افراد زیادی را جذب کنند. اگر این امر را بپذیریم که در پاکستان، حزب مسلم لیگ به رهبری نواز شریف در مقایسه با حزب مردم از ظرفیت بالاتری برای همکاری با بنیادگراهای اهل سنت برخوردار است و حمایت عربستان را نیز می‌تواند پشت سر خود داشته باشد، در آن صورت برندگان سیل پاکستان طالبان، ارتش و حزب مسلم لیگ (شاخه نواز) می‌باشند و بازنده اصلی آن حزب مردم است که در این صورت تحولات سیاسی در پاکستان سرعت بیشتری خواهد گرفت. به طور کلی دو پیامد مهم برای سیل ۲۰۱۰ پاکستان قابل شناسایی است: ۱- انتقاد از عملکرد حزب مردم و شخص آصف علی زرداری رئیس‌جمهور و یوسف رضا گیلانی نخست‌وزیر کنونی پاکستان ۲- ظهور کمک‌های موثرتر نیروهای

بنیادگرا به مردم آسیب‌دیده نسبت به کمک‌های دولت که موجب محبوبیت بیشتر آنها نزد مردم شد. به هر حال، سیل پاکستان علاوه بر اینکه همگرایی بعضی از گروه‌های سیاسی پاکستان را بیشتر کرده، به رشد بنیادگرایی نیز بیشتر دامن زده؛ چرا که شکنندگی دولت پاکستان در مهار بحران، بهترین فرصت را به این گروه‌ها داده است تا از میان جوانان و نوجوانانی که خانواده خود را در سیل از دست داده‌اند و فقر به آنها مجال فکر کردن نمی‌دهد، عضوگیری کنند و عملیات‌های انتحاری بیشتری را با کمک این اعضای جدید و رادیکال که هیچ چیزی برای از دست دادن ندارند، برنامه ریزی کنند. برای برون رفت از وضعیت ناگوار فعلی، دولت پاکستان باید با توجه به حوادث پیش آمده در این کشور، تمام تلاش خود را صرف امدادسانی و کمک درست و اصولی به ۲۰ میلیون آواره‌ای کند که در جریان سیل ویران‌گر سال ۲۰۱۰ همه چیز خود را از دست داده‌اند؛ تا گروه‌های افراطی نتوانند از وضعیت موجود، بیش از این سوءاستفاده کنند. همچنین دولت پاکستان می‌تواند با تقویت مدارس و گرایش‌های معتدل اهل سنت و همکاری با آن‌ها در کمک کردن به مردم و جذب آنها، جلوی نفوذ گروه‌های تندرو را بگیرد. این کار باعث می‌شود مردم به دولت امیدوارتر شوند و به سمت گروه‌های افراطی نروند. همچنین دولت پاکستان می‌بایست، از بودجه هنگفت نظامی خود نیز بکاهد و آنرا خرج امر تحصیل و آموزش علوم مدرن و جدید در مناطق قبیله‌ای پاکستان و افزایش امکانات در این مناطق کند تا گروه‌های افراطی از این امر بهره‌برداری نکنند. جامعه جهانی و کشورهای منطقه نیز با کمک‌های خود می‌توانند وضعیت پاکستان را تا حدودی بهبود بخشند و با کمک به پاکستان، به دولتمردان آن فرصت بدهند تا بتواند وقت بیشتری صرف مردم خود کند تا بدین طریق جلوی فقر و بنیادگرایی را بگیرند.

منابع

- ۱- اسکندریان، مهدی (۱۳۸۵) **پاکستان**، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۲- حسینی عارف، سید علی‌رضا (۱۳۸۹) **سیلی مانند سونامی**؛ بررسی ابعاد فاجعه بزرگ سیل پاکستان، دو ماهنامه گنجینه مجمع، شماره ۴۲، مرداد و شهریور
- ۳- جمالی، جواد (۱۳۹۰) **افراط‌گرایی در پاکستان**، تهران: انتشارات اندیشه‌سازان نور
- ۴- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۰) **بیداری اسلامی در گستره سیاست جهانی** (درآمدی تحلیلی بر اسلام سیاسی) تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- ۵- شفیعی، نوذر، قلیچ خان، غلامرضا (۱۳۸۹) **تبیین تأثیر رادیکالیسم اسلامی بر روابط ایران و پاکستان**، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان
- ۶- شهوند، شهزاد (۱۳۹۰) **اشغال نظامی افغانستان و گسترش افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان (۲۰۱۰-۲۰۰۱)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۷- فرخی، حسن (۱۳۷۶) **سرزمین‌های اسلامی در جنوب آسیا «پاکستان»**، مجله مشکوه، شماره ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان
- ۸- بی‌نام (۱۳۸۸) **معاونت پژوهشی موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران**، کتاب امنیت بین‌المللی، ویژه‌القاعده. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۹- بی‌نام (۱۳۸۹) **موسسه چشم‌انداز توسعه و امنیت**، سیل پاکستان، تداوم فقر و تهدیدات امنیتی، قابل دسترس در:

<http://www.idsp.ir/fa/pages/?cid=155>

- ۱۰- نجف آبادی، محمد علی هادی (۱۳۶۲) **پاکستان در جستجوی هویت مفقود**، تهران: نور.
- ۱۱- واعظی، محمود و ولی کوزه‌گر کالجی (۱۳۹۰) **پاکستان؛ چالش‌های داخلی و سیاست خارجی**، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۱۲- بی نام (۱۳۸۸) **پاکستان**، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

13- Abbas ,Hassan, (2004) **Pakistan's Drift into Extremism: Allah, then Army, and America's War Terror**, M.E.,Sharpe.

14- Butt, Usama and N. Elahi, (2010) **Pakistan's Quagmire: Security, Strategy, and the Future of the Islamic-nuclear Nation**, Continuum press.

15- Borum, Randy, (2011) **Radicalization into Violent Extremism I: A Review of Social Science Theories**, Journal of Strategic Security, Volume 4, Issue 4,pp.7-36

16- Constable, Pamela, (2011) **Playing with Fire: Pakistan at War with Itself**, Random House

17- Haqqani, Husain, (2005) **Pakistan: Between Mosque And Military**, Carnegie Endowment for International Peace.

18- Hussain , Zahid, (2007) **Frontline Pakistan: The Struggle with Militant Islam**, Columbia University Press .

19- Fair, Christine(2004) **Militant Recruitment in Pakistan: Implications for Al Qaeda and Other Organizations**, Studies in /Conflict & Terrorism, Volume 27, Issue 6

20- Faruqui,Naser,(2004) **Responding to the water Crisis in Pakistan**, Water Resource Development, Vol.20,No.2, June.

21- Georges,Claude and Pierre Rakisits,(2012) **Pakistan's twin interrelated challenges: economic Development and Security**, Australian Journal of International Affairs Vol.66,No.2, April

22- Nameless,(2010) **International Institute for Strategic Studies, Pakistan's floods: broader implications, Strategic Comments, Volume 16, comment No.29- September.**

23- Kronstadt, Alan, Sheikh, Pervaze and Bruce Vaughn (2010) **Flooding in Pakistan: Overview and Issues for Congress, CSR Reporter for congress, No, R41424, November.**

24- Lieven,Anatol(2011) **Pakistan: A Hard Country, Public Affairs, London.**

25- Malik, Iftikhar,(2010) **Pakistan: Democracy, Terrorism, and the Building of a Nation, published by Olive Branch.**

26- Nameless(2010) **Pakistan Flood Event Recap Report, Available At: [www.aon.com/ attachments/ reinsurance/ 201008_ Pakistan _ flood.pdf](http://www.aon.com/attachments/reinsurance/201008_Pakistan_flood.pdf)**

27- Rashid, Ahmad, (2010) **Pakistan floods: An Emergency for the West, Available At: [http://www.telegraph.co.uk/news/world_news/ Asia/ Pakistan/7941820/Pakistan-floods-an-emergency-for-the-West.html](http://www.telegraph.co.uk/news/world_news/Asia/Pakistan/7941820/Pakistan-floods-an-emergency-for-the-West.html)**

28- Sareen , Sushant (2011) **Socio-Economic Underpinning of Jihadism in Pakistan, Strategic Analysis ,Vol. 35, No. 1 ,January, p.6-11**

29- Siddiqa, Ayesha,(2011) **Pakistan's Counterterrorism Strategy: Separating Friends from Enemies, The Washington Quarterly, No 34, Winter.**

30- Singh, Rashmi (2010)**The Security Dimension of Pakistan's Floods, linked Available At:**

[http://www.majalla.com/eng/ 2010/09/article 55143673](http://www.majalla.com/eng/2010/09/article55143673)